

Investigating the Views of Imamiyah Jurisprudence, Public Jurisprudence and Human Rights Law in the Field of Human Simulation

ARTICLE INFO

Article Type
Analytical Review

Aurhors

Arezou Hosseinzadeh¹,
Ali Chehkendi Nezhad^{2*}

How to cite this article

Arezou Hosseinzadeh, Ali Chehkendi Nezhad, Investigating the Views of Imamiyah Jurisprudence, Public Jurisprudence and Human Rights Law in the Field of Human Simulation, Journal of Quran and Medicine. 2019;4(5):50-58.

1. Ph.D. Student, Department Of Jurisprudence And Principles Of Islamic Law, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.
2. Ph.D, Department Of Jurisprudence And Principles Of Islamic Law, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran (Corresponding Author)

ABSTRACT

Human cloning, a non-sexual reproductive phenomenon that encompasses all of the genetic characteristics of a fully-sexed, fully-copied, and similar genome, has generated debate in various disciplines as well as in religious disciplines. This is a new issue that has not been dealt with in jurisprudence and law, so its verdicts need careful scrutiny. Investigating the jurisprudential views of the public and the Imamiyyah and the subject matter of law is the main focus of this research. The Scientific Foundations of Simulation, Jurisprudential and Legal Theories in the Form of Four General Theories of Absolute License, Restricted License, Second Harm and First Harm, Popular Jurisprudence Theories of Human Simulation Harm, and Overall Assessment of Public Jurisprudence in Comparison, Dam and Corruption valley rule is one of the topics discussed in this study. Sunni scholars strongly and emotionally opposed to any kind of human imitation, and the scholars and jurists of the Imamiyyah had a thorough scientific and fundamental approach to it, and, like any other phenomenon, had its jurisprudential criticism and criticism on them. The original basis of al-Abhayi's ruling was its authorization. On the subject of law, as well as the provisions of the civil law and the will of the legislator in this field, it is also apparent from the public order and good ethics that from the perspective of the Iranian legal system, human simulation cannot be declared unauthorized.

Keywords: Human Simulation, Public Jurisprudence, Imamiyah Jurisprudence, Subject rights Law

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: chahkandi@iaubir.ac.ir

Article History

Received: 2019/12/31

Accepted: 2020/02/04

ePublished: 2020/02/19

بررسی دیدگاه‌های فقه امامیه، فقهای عامه و حقوق

موضوعه در زمینه شبیه‌سازی انسان

آرزو حسین زاده^۱

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران
 دکتر علی چهکندی نژاد^۲
 استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

شبیه‌سازی انسانی که یک پدیده تولیدمثل غیرجنسی و شامل تمام ویژگی‌های ژنتیکی صاحب سلول غیرجنسی و کاملاً کپی و مشابه آن است، مباحثی را در محافل مختلف علمی و همچنین حوزه‌های دینی ایجاد کرده است. این مسئله موضوع جدیدی است که در مسائل فقه و حقوق به آن پرداخته نشده، لذا احکام آن نیازمند بررسی‌های دقیق است. بررسی دیدگاه‌های فقهی عامه و امامیه و حقوق موضوعی محورهای اصلی بحث این پژوهش است. مبانی علمی شبیه‌سازی، نظریات فقهی و حقوقی آن در قالب چهار نظریه کلی جواز مطلق، جواز محدود، حرمت ثانوی و حرمت اولی، نظریات فقه عامه در قالب دلایل حرمت شبیه‌سازی انسانی و ارزیابی کلی دیدگاه فقه عامه از نظر قیاس، سدذرائع و قاعده درءمفاسد، از مباحث مورد بررسی در این پژوهش است. عالمان اهل سنت به شدت و به صورت احساسی به مخالفت با هر نوع همانندسازی انسانی پرداختند و عالمان و فقهای امامیه برخورد کاملاً علمی و مبنایی با آن داشتند و مانند هر پدیده مستحدثه آن را از نظر فقهی مورد نقد و بررسی قرار داده و مشهور آنان، بر اساس اصالة الاباحه، حکم اولیه آن را جواز دانستند. در حقوق موضوعه نیز با توجه به موادی از قانون مدنی و اراده قانون‌گذار در این زمینه، همچنین با مراجعه به نظم عمومی و اخلاق حسنه معلوم می‌شود که از منظر نظام حقوقی ایران شبیه‌سازی انسانی را نمی‌توان غیرمجاز اعلام نمود.

واژه های کلیدی: شبیه‌سازی انسانی، فقه عامه، فقه امامیه، حقوق موضوعه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

* نویسنده مسئول: chahkandi@iaubir.ac.ir

مقدمه

خلقت انسان، غایت حکیمانه‌ای است که خداوند در مسیر خلقت عالم در نظر گرفته است و قرآن کریم در موارد متعدد از خلقت انسان و مراحل تکون وی سخن گفته است. «وهمانا آدمی را از گل خالص آفریدیم. پس آنگاه او را نطفه گردانیده و در جای استوار (صلب و رحم) قرار دادیم. آن گاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان و سپس براستخوان‌ها گوشت پوشاندیم (و پیکری کامل کردیم) پس از آن (به‌مدین روحی مجرد) خلقتی دیگر انشاء نمودیم. آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده» (۱).

و در جایی دیگر می‌فرماید: «ای مردم اگر درباره برانگیخته شدن در شک هستید، پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، سپس از علقه، آنگاه از مضغه، دارای خلقت کامل و خلقت ناقص، تا در این انتقال و تحولات، قدرت خود را بر شما آشکار سازیم و از نطفه‌ها آن چه را مشیت ما تعلق گیرد در رحم‌ها قرار دهیم تا به‌وقتی معین طفلی از رحم بیرون آریم تا زیست کرده به‌حد بلوغ و کمال برسد و برخی از شما بمیرد و برخی به‌سن پیری و دوران ضعف و ناتوانی عمر رسد تا آن جا که پس از دانش و هوش نادان شود و هیچ نفهمد...» (۱).

همانطور که مشاهده می‌شود آیات فوق آفرینش انسان را به‌صورت کلی نشان داده و بیان می‌دارد که آفرینش انسان درایت خداوند است و بر این خلقت آفرین گفته است. تولیدمثل انسان از هر طریق جنسی و غیرجنسی، خلقت خداوند محسوب می‌شود. در تولیدمثل جنسی، از طریق ترکیب تخمک و اسپرم، زایگوت ایجاد شده و در تولیدمثل غیرجنسی، گامت، یعنی سلول جنسی دخالت نداشته، بلکه هر سلول غیرجنسی برای تشکیل سلول‌های جدید تقسیم می‌شود که شبیه‌سازی نوعی از تولیدمثل غیرجنسی می‌باشد (۲).

در شبیه‌سازی، پس از گرفتن هسته سلول و یا هریک از سلول‌های به‌دست آمده از تکثیر تخمک لقاح‌یافته، چه بسا این توهم پیش آید که انجام کارهای بعدی مترتب بر هریک از این سلول‌ها، برای دستیابی به پیکری جدید یا نوزادی مشابه صاحب هسته، یا نوزادان چند قلو، حرام خواهد بود؛ چنین توهم و ذهنیتی، بسیار ضعیف است. باید گفت: کارهای یادشده، اموری غیر از حرکت‌های انسانی که خود و تمام حرکات و سکناش آفریده خدا و به‌دست توانای اوست، چیز دیگری نیست و سلول‌ها و هسته آنها و همه چیزهایی که برای دستیابی به این نتایج از آن بهره‌گیری و استفاده می‌شود، همه آفریده‌های خدای متعال‌اند. بنابراین جز آنچه خدا خواسته و به‌اراده اوست، کاری انجام نخواهد پذیرفت. همان‌طور که از آیات شریفه قرآن انعام ۱۰۲ و ۱۰۶ و ۱۶۴ به‌دست می‌آید؛ این کار تناقضی با خالقیت خداوند ندارد (۳).

چگونه این امر را مخلوق خداوند به‌شمار نیاوریم که در غیر این صورت ایجاد ساختمان‌ها، کاشتن بذر برای رویدن گیاه و سبزه و درختان، بافتن پارچه و فرش، پختن غذاها و اموری از این دست که کارهایی معمولی‌اند نیز همه باید از مصادیق تغییر و تبدیل آفرینش الهی باشند؛ تا چه رسد به‌ساختن صنایع به‌وسیله ابزار مدرن و پیشرفته! علاوه بر این حرمت چنین کارهایی از این آیه: *وَلَا تُضِلُّهُمْ وَلَا تَجْهَلُنَّهُمْ وَلِأَمْرِنَهُمْ فَلْيَسْتَكِنُوا مِنَ الْأَنْعَامِ وَلَا تَمُرُّهُمْ فَلْيُغَيِّرُوا خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خَسْرَانًا مُبِينًا*، (نساء، ۱۱۹)، (و سخت گمراهشان کنم و به‌آرزو (های باطل و دور و دراز) درافکنم و دستور دهم تا گوش حیوانات ببرند (که اینها نصیب بتهاست) و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند، و (ای بندگان بدانید) هر کس شیطان را دوست گیرد نه خدا را، سخت زیان کرده زبانی آشکار. این بخش از آیه شریفه در

¹ Sexual

² Asexual

راه دوم: شبیه‌سازی است که در واقع راه تولیدمثل غیرجنسی است که در آن از یک سلول غیرجنسی (سوماتیک) استفاده می‌شود. در این روش همه ۴۶ کروموزوم از این سلول غیرجنسی به جنین منتقل شده و به همین خاطر تمام ویژگی‌های ژنتیکی تنها از صاحب سلول غیرجنسی منتقل می‌شود و جنین حاصل، کپی و مشابه‌اوست، نه اینکه حامل صفات وراثتی پدر و مادر، هر دو باشد. به این عملیات شبیه‌سازی یا کلونینگ می‌گویند (۶).

در علم زیست‌شناسی، کلونینگ یعنی تکثیر موجود زنده بدون آمیزش جنسی و به عبارت دیگر: شبیه‌سازی انسانی تولید نسخه‌ای مطابق اصل از انسان بدون نیاز به تلقیح سلول‌های جنسی مذکر و مؤنث است که از نظر تشکیلات آفرینش چیزی شبیه بذر افشانی و قلمه زدن در گیاهان است (۵).

برخی این نوع تولیدمثل را با واژه «خلق» تعبیر می‌کنند، از این رو می‌توان گفت واژه «خلق» در قرآن در دو معنای مختلف به کار می‌رود. براین اساس در قرآن کریم با دو دسته آیات مواجهه هستیم:

دسته اول: آیاتی در قرآن وجود دارد که حاکی از آن هستند که خالق همه چیز خداست: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ او خدای است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید» (بقره، ۲۹)؛ «وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ؛ همه چیز را (خداوند) آفریده است» (فرقان، ۲)؛ «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ؛ همان (خدای) که آسمانها و زمین و آنچه را میان ایندو وجود دارد، در شش روز [شش دوران] آفرید» (فرقان، ۵۹). دسته دوم: آیاتی که خلقت را مختص خداوند نمی‌دانند؛ مانند معنای خلقت در آیه ۱۴ سوره مؤمنون که می‌فرماید: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». در واقع از اینکه فرمودند «او بهترین خالق‌هاست» فهمیده می‌شود که خلقت مختص به او نیست. همچنین اینجا که از زبان حضرت عیسی (ع) فرمود: «أَنْتَ أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ؛ من از گل، چیزی به شکل پرند می‌سازم» (ال عمران، ۴۹). بنابراین می‌توان گفت که معنای اول خلق (ایجاد و انشای از عدم) مخصوص خداست؛ چون انسان در اختراعات و ابداعات خود چیزی را از عدم و به عنوان ماده اولیه اشیا به وجود نمی‌آورد. پس خلق به معنای دوم (تنظیم و جمع اجزای چیزی که قبلاً بوده است) اختصاصی به خداوند ندارد؛ بلکه خداوند به انسان نیز قدرتی داده است که اگر با فکر و اراده همراه شود، می‌تواند جنین کند. شبیه‌سازی انسان نیز در حقیقت آفرینش (بمعنای ایجاد و ابداع) نیست، بلکه یک عملیات دخل و تصرف در مخلوقات خداوند است. این عمل شبیه لقاح مصنوعی است که «انسان علت معده و فراهم‌کننده مقتضیات است و علت تامه در خلقت، خداوند است» (داوودی، ۱۳۸۷، ص ۳). بنابراین متخصص ژنتیک فقط عاملی است برای این نوع خلقت؛ چون اساس آن، سلول است که آن هم ساخته خداوند می‌باشد؛ نظیر شخصی که دانه‌های را میکارد و آن دانه رشد میکند و به گیاه تبدیل می‌شود. کشاورز، عامل و واسطه تولید است، نه اینکه خالق و آفریننده گیاه باشد؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ؛ آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید، اندیشیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟» (واقع، ۶۴-۶۳).

این مسئله در تولد فرزند بسیار واضح و بدیهی مینماید؛ چراکه پدر و مادر هم در تولد فرزند نقش واسطه را دارند و هیچکس آنها را خالق فرزند نمیداند. آیتالله موسوی بجنوردی در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» (حجرات، ۱۳) به روش معمول اشاره میکند؛ یعنی بیشتر مردم از طریق ترکیب اسپرم و تخمک پدید می‌آیند. حال به روشی دیگر ما از مخلوق خداوند سبحان، انسان دیگری پدید می‌آوریم؛ این انسان باز هم مخلوق خدا

روایت جابر از امام باقر (ع)، گاهی به دین الهی و گاهی به فرمان الهی، تفسیر شده است هر یک از این تعبیرات، نظیر دیگری است و همه آنها به پدید آوردن بدعت‌ها در دین خدا بازگشت دارد. صدق تعبیر آفرینش خدا بر ابداع، از این روست که در حکم واقعی که خداوند مثلاً برای وجوب این کار قرار داده و وجوب آن، آفریده الهی به شمار می‌آید، ابداع‌کننده‌ای حکم و وجوب آن را به استحباب تعبیر و آن را به خداوند نسبت دهد. وی در حقیقت آفرینش خدا را به چیز دیگری تعبیر داده است و در سایر بدعت‌ها نیز مطلب، همین‌گونه است. به هر ترتیب، توهّم فوق کاملاً ضعیف است (۴).

آنچه دارای اهمیت می‌باشد این است که شبیه‌سازی تنها یک کشف علمی نبوده بلکه دامنه آن به سرعت به مسائل اخلاقی، حقوقی، کلامی، فلسفی و حتی مسائل سیاسی-اجتماعی نیز کشیده شد و در ذهن بسیاری از اندیشمندان و بزرگان دین و پژوهشگران سؤالات متعددی در زمینه شبیه‌سازی انسانی در حوزه مسائل اخلاقی، اجتماعی، حقوقی و... ایجاد شد. از این رو گروه‌های مختلف سیاسی، مذهبی، اجتماعی و حقوقی با نگرش‌های دینی در برابر این پدیده واکنش‌هایی را نشان دادند. در میان ادیان و مذاهب مختلف، کاتولیک‌ها برخورد نسبتاً تنیدی با شبیه‌سازی انسانی کرده و آن را غیر اخلاقی خواندند (۵). دین اسلام برخورد‌های متفاوتی را با ادله خود بیان نمود؛ در حالی که عالمان اهل سنت به شدت و به صورت احساسی به مخالفت با هر نوع همانندسازی انسانی پرداختند. برخی از مخالفت خودداری کرده و خواستار ارزیابی دقیق تر همه جوانب مسئله شده و رأی به جواز داده‌اند. پاره‌ای از فقها نیز در پی حل مسائل مربوطه به ارث و نسب و دیگر مسائل انسان شبیه‌سازی شده برآمده‌اند. عالمان و فقهای امامیه برخورد کاملاً علمی و مبنایی با آن داشتند و مانند هر پدیده مستحدثه آن را از نظر فقهی مورد نقد و بررسی قرار داده و مشهور آنان، بر اساس اصالة الاباحه، حکم اولیه آن را جواز دانستند (۵). در حقوق موضوعه، با توجه به مواد قانون مدنی در باب اول از کتاب هشتم در مورد نسب مشروع و چگونگی الحاق والد به والدین و همچنین رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، درباره تحقق نسب عرفی ولد الزنا و با کشف اراده قانون‌گذار در این زمینه، همچنین با مراجعه به نظم عمومی و اخلاق حسنه معلوم می‌شود که از منظر نظام حقوقی ایران شبیه‌سازی انسانی را نمی‌توان غیرمجاز اعلام نمود. این پدیده، مانند دیگر رهاوردهای علمی، مسائل حقوقی خاصی را برمی‌انگیزد که طرح آن در مجموعه‌های قانون‌گذاری و نوشته‌های حقوقی سابقه ندارد و از آنجا که اداره و تنظیم این پدیده به وسیله مقررات برای پایداری نظم جامعه ضروری می‌باشد، دانش حقوق ناگزیر است حداقل همراه این مسئله نوظهور گام برداشته و چون سایه‌ای آن را دنبال نماید.

شبیه‌سازی انسان و فواید و مضرات ناشی از انجام آن

مفهوم شبیه‌سازی

جسم مادی انسان و حیوان از اجزای کوچک و به هم پیوسته‌ای تشکیل می‌شود که آن را سلول می‌نامند. هر سلول غشای خاص و هسته‌ای در میان دارد، این هسته به منزله مغز سلول است و در آن کروموزوم که دارای ویژگی‌های ژنتیکی است قرار دارد. همه سلول‌ها ۴۶ کروموزوم را دارند، مگر سلول‌های جنسی (سلول‌های اسپرم مرد و تخمک زن) که غشا و مایع سلولی (سیتوپلاسم) و هسته را دارند؛ ولی هسته‌های آن به جای ۴۶ کروموزوم، ۲۳ کروموزوم دارد (۶). برای تولیدمثل و تولد یک جنین، دو راه اصلی و عهده وجود دارد که عبارتند از:

راه اول: تولیدمثل جنسی که در آن جنین از تخمک لقاح یافته توسط یک اسپرم به وجود می‌آید. در این فرایند، سلول تلقیحی حاوی ۴۶ کروموزوم تشکیل می‌شود که نیمی از کروموزوم‌های جنین از اسپرم مرد و نیمی از تخمک زن می‌باشد. در نتیجه صفات و ویژگی‌های وراثتی به‌طور مشترک از پدر و مادر به جنین می‌رسد و پدر و مادر هر دو در انتقال صفات وراثتی دخالت دارند (۷).

¹ Cloning

طولانی کردن عمر افراد با جایگزینی سلولها و اندامهای سالم به جای سلولها و اندامهای از کار افتاده؛
حل مشکل والدین نامناسب و... (۶).

مضرات شبیه‌سازی انسانی

در این بخش معایب و عواقب نامطلوب شبیه‌سازی انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم (۱۳، ۱۱).

الف: ابهام علمی

ب: ازهم پاشیدن خانواده، جامعه و انتفای زوجیت

پ: احتمال مرگ شبیه قبل یا بعد از تولد

ت: استثمار زنان

ث: عواقب روانشناختی شبیه‌سازی

شبیه‌سازی انسان از دیدگاه فقه امامیه

متفکرین، اندیشمندان و علمای اهل شیعه برخلاف علمای اهل سنت، در برخورد با پدیده و فرایند شبیه‌سازی انسانی، برخورد تهاجمی و موضع گیری‌های عجولانه و برخوردهای غیرمتفکرانه نداشته‌اند. علمای اهل شیعه چهار نظریه را درباره حکم شرعی

شبیه‌سازی انسان، صادر نمود:

۱. جواز مطلق شبیه‌سازی انسانی؛

۲. جواز محدود شبیه‌سازی انسانی؛

۳. حرمت ثانوی شبیه‌سازی انسانی؛

۴. حرمت اولی شبیه‌سازی انسانی.

نظریه جواز مطلق شبیه‌سازی انسانی

بسیاری از فقهای امامیه با استناد به قاعده «کل شیء لک حلال حتی تعلم أنه حرام» بعینه فتدعه (۱۴) و همچنین به استناد اصل اباحه، و در صورتی که با عمل حرام دیگری همراه نباشد شبیه‌سازی انسانی جهت تولید انسان همانند را مجاز دانسته‌اند.

برخی از فقهای شیعه نه تنها شبیه‌سازی زندگان بلکه شبیه‌سازی مردگان را نیز جایز می‌دانند. آیت الله جناتی در پاسخ به پرسش: «شبیه‌سازی مردگان (در صورت امکان) چه حکمی دارد؟ آیا شبیه‌سازی دانشمندان بزرگ و نوانگ سیاسی و علمی که زنده نیستند جایز است؟» پاسخ می‌دهد «فی نفسه مانعی ندارد» (۱۵). آیت الله عزالدین زنجانی پاسخ می‌دهد «چنانچه امکان عملی داشته باشد، دلیلی بر عدم جواز نداریم» (۱۵).

الف) مفهوم و کاربرد اصل اباحه

اصل اباحه به این معنا است که هرگاه در حلال یا حرام بودن چیزی شک کنیم، اصل و قاعده این است که حرام نباشد. این اصل مستند به قواعد «کل شیء لک حلال حتی تعلم أنه حرام» بعینه فتدعه (۱۴) و «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» (۵) است. در مورد شبیه‌سازی انسانی، به جای اینکه بگوییم حکم شبیه‌سازی انسانی مشکوک است، می‌توان گفت حکم شرعی تولیدمثل مشخص است و آن حلیت تولیدمثل است مگر آنکه زناپی باشد. بنابراین تولیدمثل دو نوع است: تولیدمثل حلال (غیر زناپی) و تولیدمثل حرام (زناپی)؛ حال شک می‌کنیم که آیا شبیه‌سازی انسانی موضوع حکم تولیدمثل حلال است یا تولیدمثل حرام، در این حالت به اصالة الاباحه مراجعه می‌کنیم. فقها به استناد این اصل می‌گویند، چون نصی دال به حرمت شبیه‌سازی مولد نیست، پس این عمل مجاز است؛ یعنی استناد به همان قاعده مثبت اصل اباحه «کل شیء لک حلال حتی تعلم أنه حرام بعینه فتدعه» (۱۶).

ب) مفهوم و کاربرد اصل برائت

منظور از اصل برائت یا اصالة البرائة این است که در مواردی که در حکم شک داریم، معتقد شویم که در مقام عمل موظف به آن نیستیم (۱۷). باتوجه به نظر عالمان و فقهای امامیه مبنی بر جواز شبیه‌سازی انسانی، بر اساس اصالة الاباحه و اصل برائت به این نتیجه می‌رسیم که حکم کلونینگ انسانی جواز است و این مسأله دلالت بر حلیت آن دارد. کاربرد اصل برائت در شبهه حکمیه تحریمیه به علت فقدان یا اجمال نص است. همچنین در شبهه موضوعیه تحریمیه، شبهه حکمیه وجوبیه (به علت فقدان یا اجمال نص) و

محسوب میشود. در عالم خلقت ما استقلال نداریم؛ ما از مخلوق خداوند سبحان استفاده میکنیم. انسان دو حیات دارد: حیات حیوانی و حیات انسانی. قرآن میفرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ؛ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْقَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ؛ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْقَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا». «خلقت اول، مراحل خلقت حیوانی را میگوید و منظور از خلقت آخر، خلقت انسانی است که همان نفس ناطقه یا روح است. انسان روح را نمیتواند تولید کند با کلونسازی یا هر شیوه دیگر؛ مقتضیات حیات حیوانی تولید میشود، اما روح را، نفس ناطقه را خداوند سبحان میدهد» سید محسن موسوی تبریزی نیز تولد این انسان را نه تنها دخالت در خلقت نمیداند، بلکه بیان میدارد که خداوند به انسانها این اجازه را داده است که در اسرار طبیعت دست به کشف بزنند و از آن به نفع خود استفاده کنند» (۸).

شبیه‌سازی انسان، فواید و مضرات زیادی به همراه دارد که لازم است به دقت مورد مطالعه قرار گیرد:

فواید شبیه‌سازی انسان

ابتدا باید این اصل را تاسیس نمود که به لحاظ زیانهای اجتماعی، خانوادگی و روانی شبیه‌سازی و ابهام علمی آن باید استفاده از شبیه‌سازی را به عنوان آخرین درمان تجویز کرد. در مواردی که افراد به لحاظ ناتوانی جنسی توان بیچه دار شدن را ندارند، شبیه‌سازی بهترین راه برای جبران مافات و تشفی خاطر است؛ در این حالت شبیه‌سازی را باید حتی بهتر از کاشت جنین متعلق به دیگری در رحم همسر شرعی یک مرد که ماده ۱ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مجاز دانسته، محسوب داشت (۹). در موردی که زن و شوهر، هردو نازا باشند، برداشتن هسته فعال ایشان و کاشت آن در رحم شخص ثالث در مواردی که نتوان از سایر راهای درمانی استفاده کرد، مفید خواهد بود (۹).

ارزیابی مسائل اخلاقی شبیه‌سازی برای تحقیقات زیست پزشکی دشوار است. از یک طرف چنین تحقیقاتی می‌تواند منجر به افزایش دانش ما درباره رشد و نمو جنین انسان و عملکرد ژن شده و نهایتاً منجر به درمان بسیاری از بیماری‌ها و ناتوانی‌ها گردد. از سوی دیگر این تحقیقات درگیر تولید، به کارگیری و نهایتاً انهدام عمدی جنین‌های کلون شده انسانی می‌شوند (۱۰).

توسل به شبیه‌سازی برای بازتولید نایب‌ها و بافت‌های ازدست رفته مفید است. به علاوه، شبیه‌سازی می‌تواند خطر داشتن فرزندی که ناقل بیماری ارثی است از طریق استفاده از هسته فعال شخص بی‌عیب کاهش دهد. اگر بتوان از شبیه‌سازی برای تولیدمثل افراد مرده استفاده نمود، تاحدزادی می‌تواند تشفی خاطر بازماندگان مفید باشد. اگر این اهداف عالی شبیه‌سازی مدنظر قرار گیرد، بدون تردید مفید خواهد بود. به صورت کلی فواید و کاربردهای شبیه‌سازی انسان را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

راهی برای کمک به زوجین نابارور و امکان باروری زوج‌های عقیم؛

دانشمندان با این روش اطلاعات مهمی در زمینه تمایز سلولها، شناخت ریشه امراض سرطانی و راز رشد سلولهای مضر، آثار منفی وراثت، عوامل مصونیت از بیماری، علاج سقط جنین و وسایل جلوگیری از بارداری به دست خواهند آورد؛

کمک به سلامت نسل آینده و بهینه سازی حیات آن؛

مشارکت در استفاده از صفات ممتاز افراد و افزایش آن‌ها؛

کمک به موفقیت تحقیقات علمی با اجرای آنها بر روی انسان‌های کاملاً مشابه به منظور اطمینان از سلامت نتایج تحقیقات؛

داشتن نوزادان سالم و اصلاح نسلها. پزشکان با مهارت و دستکاری‌های لازم از سلامت آنها مطمئن شده و می‌توانند نوید تولد فرزند سالم را بدهند؛

انتخاب فرزند از لحاظ جنسیت، رنگ، صفات و... به دلخواه والدین؛

به کارگیری در پیوند اعضا و ترمیم بافتی ناشی از صدمات محیطی؛

شبهه حکمیبه وجوبیه (به علت تعارض دو دلیل) و شبهه موضوعیه وجوبیه، اصولیین حکم به برائت می‌کنند (۱۷).

نظریه جواز محدود شبیه‌سازی انسانی

همانطور که در نظریه جواز مطلق بیان شد، اکثر قریب به اتفاق علمای امامیه با استناد به اصل اباحه، بنابراین اولی، شبیه‌سازی انسانی را مجاز می‌شمارند ولی برخی از آن‌ها بر این نظر هستند که انجام گسترده شبیه‌سازی انسانی مشکلاتی پدید می‌آورد، مانند وجود افراد همانند و دشواری بازشناسی آنان از یکدیگر. در نتیجه این فقها به جواز موردی و فردی حکم داده‌اند و آن را در سطح کلان غیرمجاز دانسته‌اند. از این منظر، شبیه‌سازی انسانی تنها به گونه ای موردی و در سطح فردی و محدود مجاز است (۱۸). از نظر برخی از فقها، هر چند این کار حلال است، ولی فقیه می‌تواند این کار را بنا به مصالحی و به عنوان حکم حکومتی حرام اعلام کند؛ این حرمت موقت بوده و قابل رفع است (۱۸).

نظریه حرمت ثانوی شبیه‌سازی انسانی

در میان فقهای امامیه برخی قائل به حرمت ثانوی شبیه‌سازی مولد هستند، بدین معنا که شبیه‌سازی انسانی به عنوان حکم اولی خود و به استناد اصالة الاباحه جایز است؛ اما چون پیامدها و مفاسدی را در پی دارد که اجتناب ناپذیرند، آن را به عنوان ثانوی حرام می‌شمرند. یعنی برای دفع این مفاسد و پیامدهای ناگوار حکم ثانوی آن را حرمت می‌دانند و می‌خواهند از این طریق جلوی آن را بگیرند. در توضیح چگونگی وصول به نظریه حرمت ثانوی از سوی برخی از فقهای امامیه این سؤال مطرح است که آیا اصل این عمل در مورد انسان‌ها جایز است (حکم شرعی)؟

در مورد حکم شرعی از سه جهت صحبت می‌شود:

از نظر لوازم و عوارض، این کار مسلماً مستلزم نظر و لمس حرام است (به جهت کاشتن در درون رحم) مگر اینکه کسی که این کار را می‌کند شوهر زن باشد که فرض نادری است.

از نظر عنوان اولی، اصل اباحه است، چون آیه، روایت، اجماع و دلیل عقلی بر حرمت شبیه‌سازی نداریم و از مسائل مستحدثه است.

از نظر عنوان ثانوی، این عمل از نظر مسائل اخلاقی، حقوقی و اجتماعی جوانب مختلفی دارد (۱۹).

بدین ترتیب، براساس نظریه این دسته از فقهای امامیه، شبیه‌سازی مولد به عنوان اولی حلال و جایز و به عنوان ثانوی حرام و ممنوع است.

نظریه حرمت اولی شبیه‌سازی انسانی

در میان فقهای امامیه، عده‌اندکی از آن‌ها اساساً شبیه‌سازی مولد را فعلی فی نفسه حرام معرفی می‌کنند و آن را به عنوان حکم اولی حرام و نامشروع می‌دانند. تفاوت این نظریه با نظریه حرمت ثانوی در این است که از دیدگاه حرمت ثانوی، این عمل بنابراین اباحه در اشیاء و اعمال، مجاز و مباح است ولی به خاطر پیامدها و مفاسد مخاطره آمیز، آن را به عنوان ثانوی حرام می‌کند تا گرفتار چالش‌ها و مفاسدش نشود؛ اما از دیدگاه حرمت اولی، این فعل فی نفسه حرام و نامشروع است و این حرمت ذاتی است، یعنی از اساس استدلال، اصالة الحظر را در برابر اصالة الاباحه حاکم می‌داند و شبیه‌سازی انسانی را غیر شرعی و ممنوع اعلام می‌کند.

با مطالعه و جمع بندی استدلال‌هایی که در باب حرمت اولی شبیه‌سازی انسانی نقل شد به نظر می‌رسد، قائلین به حرمت اولی و ذاتی، چند نکته را پایه استدلال خود قرار داده‌اند؛ اول این که، بدن ما ملک خداوند است و ما اجازه نداریم با دست کاری در آن به تولید انسان بپردازیم، یعنی دلیل اول عدم مالکیت انسان بر بدن است (۱۷). دوم این که شبیه‌سازی انسانی، تغییر در خلقت خداوندی است و این کار به استناد آیه ۱۹ سوره نساء حرام به شمار می‌رود (۲۰، ۲۴). سوم این که، اگر این کار انجام شود، در نکاح، امر بین زوجه و زن اجنبی و محرم و نامحرم خلط می‌شود و در واقع نوعی تفرقه بین المرأة و زوجه می‌باشد (۱) چهارم این که، رواج شبیه‌سازی مولد، موجب از بین رفتن تمایز و تفاوت میان

انبای بشر می‌شود که خلاف مقتضای حکمت خدای متعال مبنی بر اختلاف السنه والوان است و هم چنین ناقص نظام عام تکوینی از سوی اوست که انسان‌ها را از شعوب و قبائل مختلف قرار داده است. پنجم این که، چون احتمال عدم موفقیت وجود دارد و ممکن است سلول‌های مستعد برای تولید انسان، از بین بروند و باروری به سرانجام نرسد، طبق دو روایت بیان شده این کار جایز نیست و ضروری است که از آن اجتناب شود. در نهایت براساس این دسته از دلایل، برخی از فقها خواسته یا ناخواسته اصالة الحظر را بر اصالة الاباحه حاکم نموده‌اند و این به معنای حرمت ذاتی و اولی شبیه‌سازی انسانی است.

شبیه‌سازی انسان از دیدگاه فقهای عامه

فقهای عامه به اتفاق آراء، شبیه‌سازی انسانی را محکوم می‌کنند و آن را عملی نادرست، نامشروع، خلاف اسلام و غیر اخلاقی می‌دانند. این تحریم از طریق صدور بیانیه، فتوا و قطعنامه صورت گرفته است (۵).

دلایل حرمت شبیه‌سازی انسانی

فقها و صاحب نظران عامه دلایل مختلفی بر حرمت شبیه‌سازی انسانی اقامه کرده‌اند. این دلایل در پنج دسته کلی قابل طبقه بندی است: (۲۵)

دلایل کلامی اعتقادی

مقصود از دلایل کلامی-اعتقادی، دلایلی است که به نحوی، ناظر به یکی از اصول دین اسلام است. از این منظر، این گونه فرض می‌شود که شبیه‌سازی انسانی با یک یا چند اصل دینی مانند خالقیت، اقتدار، مشیت و قدرت خدا و برخی از معجزات منافات دارد. از دیدگاه فقه عامه می‌توان مهم ترین دلایل کلامی بر ضد شبیه‌سازی انسانی را این موارد دانست:

یک: شبهه خلق و اعجاز؛

دو: تحدی با خالق؛

سه: تغییر خلق الله؛

چهار: نقض سنت زوجیت.

دلایل فقهی حقوقی

دلایل فقهی حقوقی علمای عامه مبنی بر رد پدیده شبیه‌سازی عبارتند از:

اول: لزوم تولیدمثل جنسی؛

دو: اختلاط انساب؛

سه: ابهام در روابط خویشاوندی؛

چهار: ابهام در نفقه وارث.

دلایل اخلاقی

مهم ترین دلایل اخلاقی در مخالفت با شبیه‌سازی انسانی عبارت است از:

یک: نقض کرامت ذاتی انسان؛

دو: ایجاد انسان‌های درجه دوم؛

سه: استفاده ابزاری از انسان؛

چهار: ودیعه بودن جسم انسان؛

پنج: نابودی جنین‌های ناخواسته.

دلایل اجتماعی روان شناختی

مهم ترین دلایلی که از منظر اجتماعی روان شناختی بر ضد شبیه‌سازی انسانی اقامه شده، عبارت است از:

یک: به هم خوردن توازن جنسیتی؛

دو: افزایش بی حساب جمعیت؛

سه: نابودی فردیت و تمایز؛

چهار: افزایش عمر، بیکاری و شورش؛

پنج: دشواری‌های خاص شخص شبیه‌سازی شده.

دلایل علمی

مهم ترین دلایل علمی بر ضد شبیه‌سازی انسانی عبارتند از:

یک، پیری زودرس؛

دو، نا ایمی این تکنیک؛

سه، کاهش تنوع بیولوژیک و افزایش بیماری ژنتیکی.

ارزیابی کلی دیدگاه فقه عامه

مخالفان شبیه‌سازی انسانی مستندات فقهی متعددی از جمله قیاس، سد ذرائع و قاعده درء مفسد را پیش کشیده‌اند که به‌استناد به آنها حکم تحریم صادر می‌شود:

قیاس

برخی از فقهای عامه در موارد مختلف هنگام بحث از شبیه‌سازی انسانی، آن را به‌استناد قیاس، نادرست و نامشروع قلمداد کرده‌اند. آنان از قیاس در موارد مشابه نیز سود جست، حکم به حرمت داده‌اند. برای مثال، عده ای گفته‌اند که اگر زنی تخمک بارور شده زن دیگری را که فرض کنیم، هووی او است، در رحم خود جای دهد، این کار به دلیل قیاس حرام است؛ زیرا مساحقه حرام است و این کار به قیاس حرمت آن حرام می‌شود (۲۶). همچنین عده ای تعیین جنسیت جنین را با قیاس به‌زنده گور کردن دختران حرام شمرده‌اند (۲۷)

قیاس تقریباً از اصول مورد قبول همه اهل سنت، جز حنبلیان (۲۸) و ظاهریان (۲۹) است و اختلاف آنان نه در اصل قیاس، بلکه در گستره و شمول آن است. در تعریف قیاس گفته‌اند: «الحاق آنچه نصی در باره حکمش وجود ندارد، به موردی که حکم آن معین است، به دلیل اشتراک هر دو مسئله در علت حکم» (۲۹). طبق این تعریف هر جا به موردی برخوردیم که حکمی در باب آن وجود نداشت با یافتن موردی مشابه آن که حکمش معین است، می‌توان آن حکم را شامل این مورد نیز دانست. در واقع قیاسی معتبر است که علت حکم در اصل معین شده باشد و این علت در فرع موجود باشد، تا بتوان حکم اصل را شامل فرع دانست. حال اگر در جایی این شرایط رعایت نشود، قیاس باطل و نامعتبر خواهد بود. از این رو، در هر قیاسی باید کوشید تا شرایط کامل آن لحاظ شود؛ لیکن به این دقایق در بحث شبیه‌سازی انسانی توجه نمی‌شود و به‌رایگان قیاس‌های چنان حیرت‌انگیزی صورت می‌گیرد که با هیچ یک از مسالک قیاس سازگار نیست، که باید توجه بیشتری به آن شود.

سد ذرائع

دومین قاعده اصولی که مخالفان شبیه‌سازی انسانی بارها به آن متمسک شده‌اند، اصل سد ذرائع است.

مقصود از این قاعده چیست؟ ذرائع، جمع ذریعه و به معنای وسائل و راه‌های رسیدن به چیزی است؛ خواه آن چیز مباح باشد، خواه حرام. غالباً هنگامی که گفته می‌شود از باب سد ذرائع یا سد للذرائع، مقصود منع و بستن راه رسیدن مفسد و محرمت است. بنابراین، سد ذرائع یعنی بستن و منع از رسیدن به چیزهای ناروا. شوکانی در تعریف ذریعه می‌گوید: مقصود از سد ذریعه، بستن راه مباح و حلال است، برای آن که به عمل حرامی نینجامد. فقهای عامه درباره حجیت این اصل اتفاق نظر ندارند (۲۹).

این اصل می‌تواند چنان فراگیر باشد که به‌استناد آن همه علوم را به دلیل آن که ممکن است عقاید عوام را سست سازد، تحریم کرد. به همین دلیل کسانی گفته‌اند که شبیه‌سازی انسانی موجب سستی عقاید مسلمانان می‌شود، پس باید تحریم شود. از این رو، یا باید یکسره از استناد به این قاعده دست شست، یا آن که آن را منضبط ساخت یا آن که به همه لوازم ناخواسته آن تن داد؛ لوازمی که تن دادن به همه آن نزدیک به محال است. به همین دلیل، مخالفان این اصل درست گفته‌اند که عمل مباح را به احتمال آن که ممکن است به مفسده ای منتهی شود، نمی‌توان حرام شمرد؛ زیرا این احتمال دو سویه است و ممکن است محقق شود و ممکن است که محقق نشود. بنابراین، از قبیل ظن است و ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً (۲۹)

قاعده درء مفسد

یکی دیگر از قواعدی که مخالفان شبیه‌سازی انسانی به آن استناد می‌کنند، قاعده فقهی «درء المفسد اولی من جلب المصلح» است. به این قاعده در موارد فراوانی استدلال شده و بر پایه آن، اثبات

می‌شود که اگر شبیه‌سازی انسانی فوایدی داشته باشد، طبق قاعده فوق حرام است. در غالب متون و مواردی که به این قاعده استناد شده، به نظر می‌رسد که تأمل کافی صورت نمی‌گیرد و به صورت کلی و بی دقت در تطبیق این اصل بر مورد بحث، حکم صادر می‌شود.

مجرای قاعده جایی است که درباره وجود مصلحت و مفسده اتفاق نظر وجود داشته باشد و آن گاه خواستار ترجیح یکی برد دیگری باشیم. در چنین صورتی است که می‌توان به‌استناد قاعده فوق، جانب منع را مقدم داشت.

مصّب قاعده جایی است که مصلحت و مفسده هر دو هم رتبه‌وهم سنگ باشند، لیکن در جایی که مصالح یا مفسد در عالم واقع بر یکدیگر بچربند، نمی‌توان به این قاعده تمسک جست. در مورد شبیه‌سازی انسانی نیز مسئله چنین است. دلایل و عللی که برای توجیه شبیه‌سازی انسانی اقامه شده، واقعی یا واقع نماسد و می‌توان آن را بررسی و آنگاه پذیرفت یا رد کرد؛ حال آنکه مفسد این کار عمدتاً برخاسته از ادبیات تخیلی و نگرش بدبینانه و مفروضات خطا است.

شبیه‌سازی انسان از منظر حقوق موضوعه

در حقوق مدون ایران نص قانونی برای شبیه‌سازی انسانی و آثار آن وجود ندارد؛ چه این که موضوع تولیدمثل از طریق سلول‌های غیرجنسی موضوعی جدید است و زوایای آن از نظر علمی با ابهاماتی روبرو است، لیکن اصل ۱۹۷ ق.ا قاضی را مکلف می‌نماید که در صورت عدم وجود نص قانونی حکم قضیه را از منابع و فتاوی معتبر اسلامی استخراج نماید که این امر در مورد موضوع شبیه‌سازی انسانی صدق می‌کند.

قانون

شبیه‌سازی انسانی یک موضوع مستحدثه است و بسیاری از ابعاد آن با ابهاماتی روبرو است، از این جهت قانون‌گذار ما هنوز، برای جواز یا عدم جواز و آثار و جوانب آن قانونی وضع نکرده است؛ بنابراین در شرایط فعلی نه قانونی خاص این موضوع وجود دارد و نه رأی وحدت رویه ای که بتوان حکم مسأله را از آن به‌صراحت استخراج نمود، بلکه باید از اصول کلی و مسلم حقوقی و هم چنین از برخی موادی که در موارد مشابه وجود دارد، حکم قضیه را استنباط کرد.

ماده ۱۱۵۸ ق.م، طفل متولد در زمان زوجیت را ملحق به شوهر می‌داند، مشروط بر این که از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد. این همان قاعده فراش است که بیان می‌نماید «الولد للفراش وللعاهر الحجر» (۳۰) یعنی فرزند ملحق به فراش زوجیت است و به‌زانی ملحق نمی‌شود. البته شرطی را آورده و آن محدوده زمانی تولد نسبت به نزدیکی است که نباید کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه باشد. بنابراین طبق قاعده فراش و ماده ۱۱۵۸ ق.م، فرزندی که در دائره زوجیت به‌وجود می‌آید ملحق به پدر خواهد بود و الحاق به معنی استقرار نسب و مشروعیت چنین ولادتی است. در شبیه‌سازی انسانی که در دائره زوجیت انجام شود، در فرضی که سلول جسمی متعلق به مرد باشد، و در رحم زن پرورش یابد، قاعده فراش محقق است و فرزند باید به زوجین و از جمله پدر ملحق شود.

آنچه ممکن است مورد اشکال واقع شود، این است که در ماده ۱۱۵۸ ق.م شرط نزدیکی وجود دارد، در حالی که در شبیه‌سازی مولد نزدیکی منتفی است؛ پاسخ این است که، به نظر می‌رسد نزدیکی موارد غالب را بیان می‌کند و نافی مواردی که نزدیکی صورت نگرفته نمی‌باشد، چه این که اگر دخول انجام نشود و انزال صورت گیرد و منی مرد اطراف رحم بریزد، و در نتیجه فرزندی متولد شود، به حکم فقهای امامیه چنین فرزندی ملحق به شوهر است یا در حالتی که انزال صورت نگیرد یا مرد اقدام به عزل نماید (۳۱)، حق نفی ولد را نخواهد داشت و فرزند به‌او ملحق خواهد شد (۳۲)؛ همه این‌ها نتیجه قاعده فراش زوجیت است؛ از این جهت

نتیجه استدلال این که، موافقین شبیه‌سازی، حداقل در دایره زوجیت نیازمند اثبات مطابقت آن با نظم عمومی نیستند بلکه مخالفین هستند که بایستی دلایل خود برای مخالفت این کار با نظم عمومی را ارائه و اثبات کنند. دلایلی که تاکنون مطرح شده است با پاسخ‌های داده شده مورد خدشه قرار گرفته‌اند و نتوانسته‌اند منع شبیه‌سازی مولد را در ارتباط با نظم عمومی بدانند.

اخلاق حسنه

انتشار اولین اخبار مبنی بردستیابی بشر به فناوری شبیه‌سازی، صاحب نظران حوزه‌های مختلف و اخلاق پزشکی را به‌اندیشیدن در این حوزه واداشت. کرامت انسانی نقطه ثقل اصول اخلاقی است که مخالفان شبیه‌سازی انسانی بدان استناد کرده‌اند و نقض آن را جزء دلایل مخالفت خود به‌حساب آورده‌اند. واضح است که اخلاق حسنه پزشکی موظف به پاسداشت کرامت انسانی است و پژوهش‌های پزشکی حق نقض کرامت بشری را ندارند. اصل کرامت انسانی، ریشه در نصوص دینی و از جمله آیه شریفه «و لقد کرما بنی آدم» (۱) دارد. به‌لحاظ اخلاقی هیچکس نمی‌تواند در جسم و روان دیگری مرتکب مداخلاتی شده، به‌تمامیت جسمانی یا روانی او احترام نگذارد و اصل کرامت انسانی را نادیده بگیرد.

دستاوردهای گوناگون پزشکی در عرصه‌های مختلف امروزه در سطح وسیعی اعمال می‌شود و با وجود احتمال درصدی از خطا مقبولیت اخلاقی دارد. از این منظر، میان عمل لقاح برون رحمی، هنگامی که برای اولین بار برانسانی انجام می‌شد، با شبیه‌سازی انسانی برای اولین بار تفاوتی وجود ندارد. در هر دو مورد با کاربری تکنیکی که در سطح حیوانی موفق بوده، انسان موضوع آزمایش علمی واقع شده است بنابراین با این تفسیر از کرامت انسانی باید به پیامدهای آن از جمله جلوگیری از آزمایش‌های مختلف جهت درمان بیماری‌ها به جهت نقض کرامت بشری، تن داد.

آنچه مسلم است، دو نکته را باید از یکدیگر تفکیک کرد: یکی منع هر نوع آزمایش علمی بر روی انسان و غیر اخلاقی خواندن آن، و دیگری کوشش برای وضع ضوابط اخلاقی برای آزمایش‌هایی از این دست، تا مرزهای اخلاق حسنه پزشکی مورد تجاوز قرار نگیرد. مسأله دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد موارد شک است، به‌این‌معنا که در مواردی که شک می‌کنیم انجام آزمایش‌های موفق پزشکی بر روی انسان، ناقض اخلاق حسنه می‌باشد یا نه، باید اصل را بر آزادی این نوع آزمایش‌ها قرار داده و بدون حجت آن‌ها را مغایر اخلاق حسنه ندانست.

وجود نزدیکی در ماده ۱۱۵۸ ق.م.و.ا. در مورد اغلب است و اگر سلول مرد به‌هر طریق دیگری مانند لقاح مصنوعی در داخل رحم زن به‌وسیله پزشک جای‌گزین شود، این فرزند به‌وی ملحق می‌شود و هیچ فرقی بین جایگزینی سلول جنسی در تولیدمثل طبیعی و سلول جسمی در شبیه‌سازی انسانی از این جهت وجود ندارد، پس اگر در روش کلونینگ انسانی، سلول جسمی مرد (مانند سلول پوست) که در تخمک زن لقاح یافته است در داخل رحم زن مستقر شود، بنابراین ماده ۱۱۵۸ ق.م.و.ا. این طفل ملحق به‌شوهر می‌شود و نسب قانونی برایش متصور است.

از طرف دیگر، در ماده ۱۱۹۷ ق.م.و.ا. که مقنن در مقام بیان است، طفل متولد از زنا را ملحق به‌زانی نمی‌داند و در موارد دیگر ساکت است یعنی فقط امر ممنوع و نامشروع را بیان کرده است. در واقع در قانون مدنی ایران عدم الحاق و فقدان نسب شرعی اختصاص به زنا دارد؛ از این رو، طفل متولد از نزدیکی به‌شبهه را به‌پدر و مادر طبیعی ملحق می‌داند هر چند علقه زوجیت موجود نباشد. (مواد ۱۱۹۵ ق.م.و.ا. و ۱۱۹۹ ق.م.و.ا.)

از آن‌چه پس از استناد به‌ماده ۱۱۰۸ ق.م.و.ا. و قاعده فراش در مورد الحاق فرزند به‌زوجین و از جمله پدر به‌دست می‌آید و از سوی دیگر فقدان نسب شرعی و عدم الحاق ولد به‌والد، بنابراین ماده ۱۱۹۷ ق.م.و.ا. منحصر در مورد زنا می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که طفل متولد از طریق کلونینگ در دایره زوجیت، ملحق به‌پدر و مادر است و نسب طفل نسبت به‌هر دو قانونی و مشروع می‌باشد. در شبیه‌سازی مولد در دایره زوجیت تمام شرایط الحاق در ماده ۱۱۵۸ ق.م.و.ا. فراهم است؛ هم فراش زوجیت وجود دارد و هم استقرار سلول بارور شده مرد با تخمک در رحم زن که در واقع نوعی نزدیکی به‌حساب می‌آید.

نظم عمومی

یکی از خطوط قرمزی که در کلیه اقدامات حقوقی باید مورد توجه قرار گیرد مسأله نظم عمومی است. مسأله نظم عمومی در برخی کتاب‌های فقهی نیز مورد توجه قرار گرفته است (۳۳) حتی در فتاوی که علمای امامیه در موارد مختلف صادر کرده‌اند یکی از موانع یا علی که باعث عدم جواز در اعمال انسان یا قراردادهای می‌شود یا عدم پذیرش مقتضیاتی که در نظام قضایی اسلام وجود دارد را اختلال نظام عنوان کرده‌اند (۳۴) در علل مخالفت با شبیه‌سازی انسانی نیز اختلال نظام یکی از دلایل مخالفت فقها به‌شمار می‌رفت.

در بحث از جواز یا منع شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه قانون ایران، آن‌چه مسلم است شبیه‌سازی در دایره زوجیت دچار هیچ یک از چالش‌های مطرح از نظر اخلاقی، اجتماعی، حقوقی و شرعی نمی‌باشد. در بحث از نظم عمومی و ارتباط آن با کلونینگ مولد، می‌توان مغایرت این شیوه تولیدمثل را با منافع و مصالح عمومی، بیان نمود. اگر در این زمینه هدف خوبی در میان باشد، می‌توان گفت، از خطوط قرمز نظم عمومی خارج نشده است و اگر اهداف غیرانسانی مدنظر قرار گیرد، مغایرت با مصالح و منافع عمومی است.

از دیگر دلایلی که در تحلیل علت ارتباط منع شبیه‌سازی مولد با نظم عمومی آورده‌اند، تولد از یک نفر یا یک ریشه، آن هم به‌شیوه ای نامتعارف است، که اگر عرفاً به‌مفهوم «بی خانوادگی» نباشد، حداقل به‌معنای نداشتن یکی از پدر و مادر است (۳۴) و این مسأله مخالف با نظم عمومی در روابط خانوادگی است. پاسخ این است که، قواعد آمره و نظم عمومی در نظام خانواده اغلب توسط قانون مدنی و فقه امامیه احصاء شده‌اند و موارد اندکی که به‌صراحت نیامده‌اند، از روح قانون و یا حکمت نکاح به‌وضوح قابل استنباط می‌باشند. اولاً این که فرزندی که به‌دنیا می‌آید، اگر فقط دارای پدر یا مادر باشد، مخالف نظم عمومی خانواده است، باید مستند به‌مصالح و منافع مسلم خانواده باشد، و چون دلیل قانع‌کننده‌ای برای این ادعا ارائه نشده است، نمی‌توان آن را پذیرفت.

نتیجه گیری

شبیه‌سازی انسانی علمی جدید و پدیده ای نو در علوم ژنتیک محسوب می‌شود که در جهت بارور کردن فرد نابارور و کمک به تکنولوژی‌های توالی، ارائه شده است. شبیه‌سازی انسانی از منظر غیردرمانی آن، مباحثی را در مسائل اخلاقی، دینی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده است که اغلب این مباحث در حوزه‌های دینی و مذهبی می‌باشد. این پدیده باعث شده است که ادیان و مذاهب مختلف هر یک به گونه ای موضوع گیری‌هایی را در مقابل این پدیده علمی داشته باشند. همین امر باعث شده که جامعه حقوقی نیز سیاست‌هایی را در قبال این موضوع اتخاذ نماید.

به صورت کلی فواید و کاربردهای شبیه‌سازی انسان عبارتند از: کمک به باروری زوجین نابارور، شناخت ریشه امراض سرطانی و راز رشد سلول‌های مضر، علاج سقط جنین و وسایل جلوگیری از بارداری، انتخاب فرزند از لحاظ جنسیت، رنگ، صفات و... به دلخواه والدین، به کارگیری در پیوند اعضا و ترمیم بافتی ناشی از صدمات محیطی و... همچنین از مضرات این پدیده می‌توان به ابهام علمی، ازهم پاشیدن خانواده، جامعه و انفکاک زوجیت، احتمال مرگ شبیه قبل یا بعد از تولد، استثمار زنان و عواقب روانشناختی شبیه‌سازی و... اشاره کرد.

در خصوص جایگاه شبیه‌سازی انسانی در میان دانشمندان و فقهای امامیه مشاهده شد که ایشان نظرات متفاوتی در این خصوص بیان داشته‌اند که خود باعث شده نتوان نظری نهایی را در این باره از دیدگاه شیعه اتخاذ نمود. چرا که نظرات و فتاوی آنها با یکدیگر در تضاد می‌باشد. به طور کلی درباره حکم شبیه‌سازی انسانی بین فقهای امامیه چهار نظریه (۱) جواز مطلق شبیه‌سازی انسانی؛ (۲) جواز محدود شبیه‌سازی انسانی؛ (۳) حرمت ثانویه شبیه‌سازی انسانی؛ و (۴) حرمت اولی شبیه‌سازی انسانی، وجود دارد. از این رو به نظر می‌رسد که به جای بحث کلی درباره شبیه‌سازی انسانی و حکم به جواز یا منع آن، باید میان انواع و صورت‌های مختلف اینکار تفاوت قائل شده و به صورتی شفاف تر و واضح تر و منضبط تر، به بحث پرداخت.

در این زمینه مشاهده شد که اندیشمندان و فقهای عامه به اتفاق آراء شبیه‌سازی انسانی را محکوم می‌کنند و آن را عملی نادرست، نامشروع، خلاف اسلام و غیراخلاقی می‌دانند. دلایلی که فقهای عامه بر حرمت این پدیده بیان نموده‌اند در پنج دسته کلی (۱) دلایل کلامی-اعتقادی؛ (۲) دلایل فقهی-حقوقی؛ (۳) دلایل اخلاقی؛ (۴) دلایل اجتماعی-روانشناختی و (۵) دلایل علمی، طبقه بندی شده است. در تحلیل دلایل مذکور باید گفت علمای اهل سنت غالباً از قیاس، سد ذرائع و قاعده درء مفساد برای مخالفت با شبیه‌سازی انسانی بهره برده‌اند.

در حقوق موضوعه ایران نیز، با توجه به موادی از قانون مدنی در باب اول از کتاب هشتم در مورد نسب مشروع و چگونگی الحاق والد به والدین و همچنین رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، درباره تحقق نسب عرفی ولد الزنا و با کشف اراده قانون گذار در این زمینه، همچنین با مراجعه به نظم عمومی و اخلاق حسنه معلوم می‌شود که از منظر نظام حقوقی ایران، پدیده شبیه‌سازی انسانی را نمی‌توان مطلقاً غیرمجاز اعلام نمود.

باتوجه به فرایند شبیه‌سازی و همچنین بررسی نظرات و دیدگاه‌های مختلف، می‌توان نتیجه گرفت که ایرادات و نظرات مخالف مختلفی به پدیده شبیه‌سازی وارد شده تا بتواند آن را خلاف مسائل اخلاقی، خلاف نظم عمومی و خلاف اخلاق حسنه نشان دهند. اما با تفکیک ایرادات می‌توان نتیجه گرفت که برخی از این ایرادات از جمله تضعیف بنیان خانواده و همچنین امکان سوءاستفاده از شبیه‌سازی، وارد نیست. زیرا در ایراد اول باید گفت که شبیه‌سازی هم مانند دیگر روش‌های باروری مصنوعی از جمله اهداء جنین، کودک آزمایشگاهی و... نتوانسته جایگزین تولیدمثل طبیعی شود و این روش باروری نیز فقط در مواردی که باروری

طبیعی ممکن نیست کاربرد دارد و لذا موجب کم شدن تمایل ازدواج و به تبع آن سست شدن بنیان خانواده نخواهد شد. در مورد ایراد دوم یعنی سوءاستفاده از شبیه‌سازی نیز می‌توان گفت که این احتمال در مورد هر دستاورد علمی دیگر نیز وجود دارد که مقامات و مسئولین مربوطه می‌توانند با نظارت دقیق و تعیین حدود این فرایند، جلوی سوءاستفاده از آن را بگیرند.

بر اساس نتایج کسب شده می‌توان گفت که تنها ایراد وارده بر این مسئله، محدود و ضعیف بودن علم بشر برای انجام عمل شبیه‌سازی انسانی می‌باشد. با توجه به اینکه دالی بعد از ۲۷۷ بار آزمایش ناموفق، به دنیا آمد، لذا می‌توان گفت که علم بشر همچنان برای انجام چنین پدیده ای ناقص و کم بوده و نمی‌توان ریسک تولید بچه‌های ناقص و معیوب را برای آزمایش و به نتیجه رساندن شبیه‌سازی قبول کرد، که این امر مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه می‌باشد.

References

1. Holy Quran
2. Saremi A. Cloning Simulation, First Edition, Tehran: Jahan Rayaneh Electronic Publishing and Information: 2003: p 3.
3. Elahi Ghomshei M. Translation of the Holy Quran, Qom. Fatemeh Al-Zahra: 2001. [persian]
4. Bahrani SH. Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran. Tehran, Besat Foundation: 1995. [persian]
5. Islami SH. Human Simulation from the Perspective of Catholic Religion and Islam. First Edition. Tehran: Center for the Study and Research of Religions and Beliefs: 2007
6. Mortazavi SM. Human Simulation in Ayatollah Fiqh. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute: 2016: 17-18
7. Poor Ghahremani b. A look at the phenomenon of human simulation. Quarterly Journal of Intellectual Developmen 2009; No 37: p 23.
8. Makarem Shirazi N. by Ahmad Qaddasi. Anwar Al-Osul. Qom. Young Generation Publications: 1995
9. Taheri F. Moral, Legal and Jurisprudential Aspects of Human Simulation. Journal of Medical Ethics: 2013: No 24
10. Abbasi M, human simulation. A New Challenge to Ethics and Human Rights. Journal of Medical Law: 2008: No 7, p 25
11. Nobakht M. Simulation: What, Quality, Do's and Don'ts. Tehran: Education; 2006
12. Al-Ansan M, Kanaani Z. Ethical, Legal, and Reality Crossroads in Human Simulation, in Bioethics from a Legal,

31. The Second Martyr, Hashiyeh Al-Irshad, Qom, Islamic Propaganda Office:1993, Vol. 3
32. Imam Khomeini, Tahrir al-Waseela, vol. 2, Book of Publications, issue 5, P 343
33. Ashtiani MMH, Bahr al-Fawaid fi Sharh al-Faraid, vol 2
34. Sheikh Ansari, Judgment and Martyrdom, p. 280. That is why I do not accept the testimony of the witness in proving the testimony by the Companions, except in the case of the Great Haraj and the disruption of the public order system, and especially. Philosophical, and Scientific Perspective, Edition: 2, Tehran: Samat :2005, p 9
13. Ghorbani A, Human Simulation: From Moral Consequences to Criminal Policy, Medical Law: 2010, No 13, p 169.
14. Har Ameli, Detail of Shiite Means to Study Sharia Issues, Qom: Al-Bayt Institute (PBUH), Second Edition: 1993, vol 12, p 60.
15. Interview with Ayatollah Jannati, Quarterly Journal of Jurisprudence; New Exploration in Islamic Jurisprudence, No. 46, p. 17.
16. Mohammadi A, Human Simulation of Scientific, Moral, Legal, Jurisprudential Considerations, Printing: 1, Tehran: 2008, p 258.
17. Clergyman Sheikh Mohammad Kazem Khorasani, Sufficiency of Principles, p. 338
18. Jawaheri H, quoted by Seyyed Hassan Islami, previous source, p. 486.
19. Ayatollah Makarem Shirazi N, The New Issue (Simulation), Subject of Non-Jurisprudence Courses:2001. www.makaremshirazi.org.
20. Khoei SA, Mesbah al-Fiqh, vol. 1, p. 259
21. Mohseni MA, Al-Fiqh and Matters of Al-Tayyiba, p. 113
22. Samarkandi, Tafsir Ayashi, vol. 1, p. 276
23. Tabarsi, Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, vol. 2, p. 112
24. Allama Tabatabai, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, vol. 5, p. 87.
25. Al-Qaradawi, Yusuf Abdullah, 2006; Al-Sayyid Ghanim, 1998; Al-Damrash, Sabri, 1997; Riyad Ahmad, 2003; Houtoot, Khaled, 1998; Aref, Ali Aref, 1420
26. Aref, Aref Ali Al-Umm Al-Badillah (and Al-Rahm Al-Masajr), Islamic Journal of Knowledge:1999, Vol 19, p. 98.
27. Ibrahim AA, The Theological Heritage between the Degrees of Science and the Rules of Sharia, Oman: Dar Al-Fatah for Leadership and Publication, 2003, p. 130.
28. Al-Muzaffar MR, Usul al-Fiqh, vol. 2, Najaf: Dar al-Nu'man, 2007.
29. Zidane AK, Al-Wajiz Fi Usul al-Fiqh, Tehran, Dar Ehsan:1994
30. Kalini MY, Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyyah, fourth edition:1983, p 164.